

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا

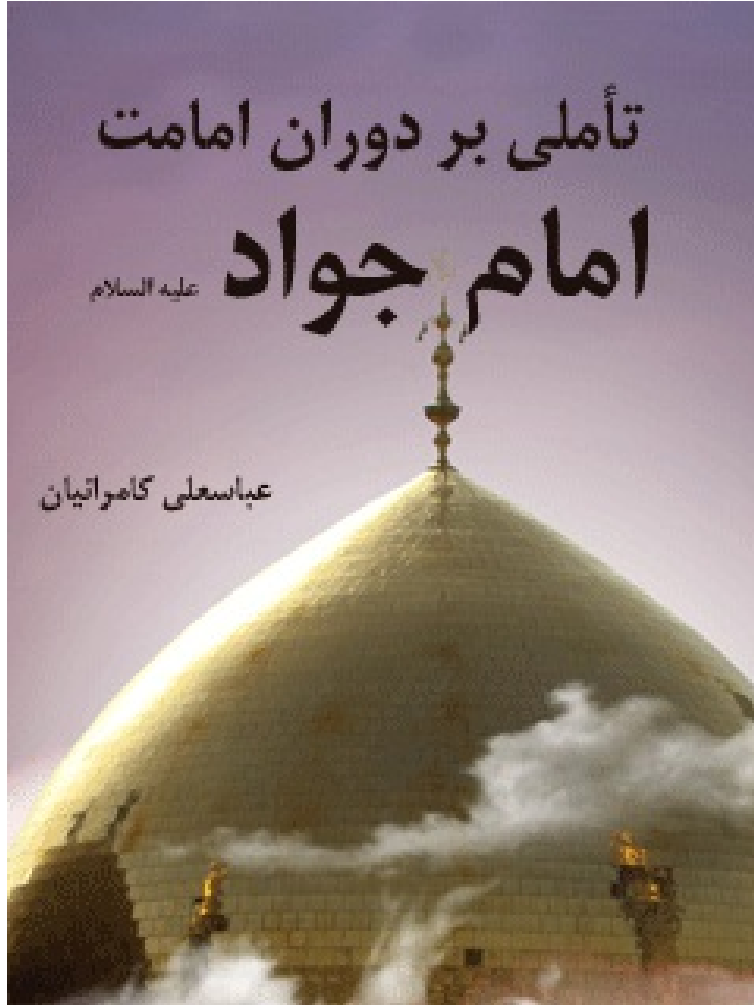


کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

تأملی بر دوران امامت

علیه السلام امام جواد

عباسعلی کامرانیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأملی بر دوران امامت امام جواد (ع)

نویسنده:

عباسعلی کامرانیان

ناشر چاپی:

کیهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ تأملی بر دوران امامت امام جواد (ع)
۶ مشخصات کتاب
۶ تأملی بر دوران امامت امام جواد
۹ پاورقی

تأملی بر دوران امامت امام جواد (ع)

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۴-۱۶۳۵۵

سرشناسه : کامرانیان، عباسعلی

عنوان و نام پدیدآور : تأملی بر دوران امامت امام جواد (ع) / کامرانیان، عباسعلی

منشأ مقاله : ، کیهان، (۲۵ مرداد ۱۳۸۴): ص ۶.

توصیفگر : محمدبن علی (ع)، امام نهم

تأملی بر دوران امامت امام جواد

امامت امام جواد(ع) از سال ۲۰۳ هجری پس از شهادت امام رضا(ع) شروع و تا سال ۲۲۰ هجری که آن حضرت به شهادت رسید حدود ۱۷ سال و چند ماه و چند روز به طول انجامید. دوران امامت امام جواد(ع) از حدود ۸ سالگی شروع شد. در بین ائمه اطهار(ع) امام جواد(ع) تنها امامی بود که در کودکی به امامت و در جوانی به شهادت رسید. دوران امامت امام جواد(ع) از دو جهت حائز اهمیت و توجه و تأمل خاص است: ۱- همانطور که بیان شد امام جواد(ع) در دوران کودکی به امامت رسید. این مساله نیاز به توانایی شگرف علمی و معنوی داشت تا امام بتواند در آن سنین کم، به دوستانی که برای اطمینان از امامت امام نهم از ایشان سؤالاتی می پرسیدند پاسخ دهد و همچنین به انواع و اقسام ایرادها و پرسشهایی که دشمنان برای نقطه ضعف گرفتن از آن حضرت طرح می کردند جواب دهد. دقت نظر در تردیدهای دوستان و شماتت های دشمنان درستی این نظر را تأیید می کند. ۲- دوران امامت امام نهم(ع) شروع دوران فترت ائمه اطهار(ع) و شیعیان است. از امام نهم به بعد، ائمه اطهار(ع) در حصر و تحت نظر خلفای عباسی قرار گرفتند. خلفای دوران امام جواد(ع) مامون و معتصم بودند. مامون فردی سیاستمدار، سفاک، دنیاپرست و ظاهر ساز بود. به همین جهت به دلیل اینکه امام رضا را به قتل رسانده بود و در معرض اتهام بسیاری از شیعیان قرار داشت، زیرکانه و حيله گرانه خود را دوستدار امام نهم جلوه می داد و سعی می کرد که بطور نامحسوس و غیرمستقیم به کنترل امام بپردازد. اما دشمنی مامون از چشم تیزبین امام محمدتقی(ع) دور نماند و به همین جهت امام با اصرار از بغداد به مکه و سپس به مدینه بازگشت. استاد عادل ادیب در این باره نوشته است: وقتی مامون، امام جواد(ع) را به بغداد یا مرکز خلافت آورد، امام اصرار کرد که به مدینه بازگردد. مامون (به ناچار) با این درخواست موافقت کرد و آن حضرت (به مدینه بازگشت) و بیشتر عمر شریفش را در مدینه گذراند. [۱]. سید محسن امین نیز نوشته است: پس از مدتی امام جواد(ع) برای گزاردن حج از مأمون اجازه خواست و از بغداد به سوی مدینه حرکت کرد در این سفر ام فضل نیز آن حضرت را همراهی می کرد. [۲]. همچنین شیخ عباس قمی در منتهی الآمال در این باره نوشته است: مدتی که امام جواد(ع) در بغداد بود از سوء معاشرت مأمون منزجر شد و از مأمون رخصت طلبید و متوجه بیت الحرام شد و از آنجا به مدینه جد خود مراجعت کرد و تا مأمون وفات کرد در مدینه بود. [۳]. به هر حال، امام جواد(ع) به مدینه برگشت و دور از مصاحبت مامون، به زندگی خویش ادامه داد. از بررسی تاریخ زندگانی امام نهم استفاده می شود که امام(ع) در مدینه با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با علما و مردم و حضور در مجالس مناظره به تبیین مذهب شیعه و حقانیت امامت خویش و بطور غیرمستقیم و تلویحی به رد حکومت جائر عباسی و خصوصاً مامون می پرداخت. علامه مجلسی در این باره نوشته است: هنگامی که فصل حج فرا رسید، فقهای بغداد و شهرهای دیگر و دانشمندان سایر بلاد که هشتاد نفر بودند به حج رفتند و سپس به مدینه رفته و با اباجعفر دیدار کردند. [۴]. برای پاسخ به این پرسش که چرا امام جواد(ع) در بغداد و در کنار مامون عباسی نماند و به مدینه

بازگشت می توان به این دلایل اشاره کرد: ۱- امام جواد(ع) بیش از هر کس و کاملاً مامون را می شناخت و به همین جهت از مکر و حيله و جنایت او خود را در امان نمی دید به همین جهت مصلحت خویش را در دوری از مامون می دید. ۲- مصاحبت امام جواد(ع) که مظهر معنویت و صداقت و تقوا بود با مامون عباسی که مظهر جنایت و شقاوت و رذالت بود برای آن حضرت سخت و ناگوار بود چون هیچ وجه مشترکی با هم نداشتند. ۳- دیدار قاتل پدر، مورد رضایت امام(ع) نبود و اصولاً آن حضرت مایل به زندگی در کنار کسی که پدرش را به شهادت رسانده بود نبود. ۴- امام محمد تقی (ع) اگر در بغداد می ماند تحت نظر مستقیم مامون و وزرا و اطرافیان او بود و امکان فعالیت سیاسی و فرهنگی پیدا نمی کرد. ۵- اگر امام جواد(ع) در بغداد باقی می ماند، مامون می توانست چنان وانمود کند که مردم فکر کنند او از تأیید امام(ع) برخوردار است و اختلافی میان علویان و عباسیان و بین آنها نیست و در نتیجه خط و مشی امامت و خلافت یکسان است و امام(ع) مایل به چنین برداشتی از سوی مردم نبود. ۶- اگر امام نهم(ع) در بغداد باقی می ماند به دلیل خط و مشی خلفای عباسی و فرهنگ حاکم بر دربار مامون، امکان ارتباط نزدیک با شیعیان خاص و ملاقاتهای مردمی را نداشت و به همین جهت نمی توانست به وظایف امامت خویش عمل کند. ۷- امام به صورت مستقیم (البته به افراد مطمئن و خاص) و غیرمستقیم به همه مردم غیر شرعی بودن حکومت مامون را گوشزد می کرد و این کار در دربار مامون و بغداد امکان پذیر نبود. ۸- از شهادت امام نهم(ع) در جوانی به دست معتصم عباسی می توان فهمید که امام با شدت و بدون ملاحظه با دستگاه خلافت عباسی مبارزه می کرده است و چنین مبارزه ای در بغداد و در کنار مامون برای امام جواد(ع) امکانپذیر نبود. زمینه سیاسی مبارزات امام جواد(ع) در مدینه بهتر از بغداد بود. ۹- اصولاً کارهای شیطانی مامون موجب انزجار امام نهم(ع) بود بطوری که به قول شیخ عباس قمی: سوء معاشرت مامون و آزارها و اذیت های او برای امام(ع) طاقت فرسا و مشکل ساز بود و ادامه زندگی برای آن حضرت در بغداد مشکل بود. به عبارت دیگر زندگی عادی امام هم در کنار مامون برای آن حضرت مطلوب نبود. ۱۰- حضور امام نهم(ع) در بغداد و شرکت او در مجالس و مناظره هایی که مامون ترتیب می داد و پیروزی امام بر بزرگان مذاهب، موجب حسادت آنها و سعایت نزد مامون می شد. امام جواد(ع) با رفتن از بغداد می توانست از حسادت و سعایت حسودان و سخن چینیان خود را در امان نگه دارد. در حقیقت امام نهم(ع) با این کار فاصله مناسبی از بدخواهان می گرفت تا از شرشان در امان بماند. ۱۱- بنظر می رسد که امام جواد(ع) از «ام فضل» دختر مامون چندان دلخوش و راضی نبود. ام فضل در محیط فاسد پرورش یافته بود و وجود او از پدر جنایتکاری بود که خلافت را غصب کرده و دستش به خون امام رضا(ع) رنگین بود. چنین دختری هرگز نمی توانست همسر مناسبی برای امام جواد(ع) باشد. به همین جهت مکرر از دست امام جواد(ع) به پدرش شکایت می کرد... در صورتی که امام در بغداد و در کنار مامون و افراد فامیل ام فضل باقی می ماند، آن زن جاهل از نظر خانوادگی نیز برای امام مشکل بیشتری ایجاد می کرد تا اینکه امام او را از اطرافیان نابکارش دور کرده و در یک محیط معنوی او را محدود نماید. ۱۲- امام جواد(ع) در بغداد هم از جهت فکری و هم از جهت نبود بستگان غریب بود اما مدینه شهری معنوی و مذهبی و جایگاه خاندان عصمت و طهارت و نزدیکان امام جواد بود در حالی که بغداد شهری سیاسی و جایگاه حقه بازان و سیاست بازان و دروغ پردازان بود از این جهت نیز امام نهم(ع) ترجیح می داد که در محیط اجتماعی معنوی مدینه النبی زندگی کند نه در محیط سیاست زده و خفقان آمیز بغداد و در میان منافقان و دین به دنیا فروشان و... ۱۳- مدینه جایگاه شیعیان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت بود و امام نهم(ع) در این شهر بهتر می توانست به تبیین دیدگاه های فقهی و علمی و سیاسی خویش بپردازد و پذیرش امام برای مردم مدینه بهتر و بیشتر بود برعکس بغداد نه فقط خالی از این ویژگی ها بود بلکه حتی بسیاری از مردم امام(ع) را نمی شناختند یا بر اثر تبلیغات مسموم دربار، نسبت به امام کینه یا دشمنی جاهلانه یا عالمانه داشتند. به عبارت دیگر: مامون امام جواد(ع) را از مدینه که کانون علویان و جایگاه مناسب برای امام جواد(ع) و مرکز خطر برای عباسیان بود به بغداد آورد تا امام را کنترل کرده و مدینه را از وجود محور خطر علیه خود خالی سازد و امام جواد(ع) به مدینه، شهر مطلوب خویش بازگشت

تا به نقش خود در فعال نگه داشتن علویان و مبارزه با سردسته ظالمان و حکومت عباسی تداوم بخشد. البته عباسیان بغداد هم از حضور امام جواد(ع) در بغداد و نزد مأمون که به ظاهر به او احترام می گذاشت چندان راضی نبوده اند و شاید بعضی از آنها زمینه رضایت دادن مأمون به رفتن امام از بغداد به مدینه را فراهم کرده باشند: دونالدسون که یکی از مستشرقین است قسمتی از ترس و وحشت عباسیان را این طور بیان کرده است: «بعد از گذشت یکسال از ازدواج امام(ع) خلیفه به ایشان و همسر جانش اجازه داد که به مدینه منوره رفته و در آنجا اقامت کنند این مسئله مورد موافقت همه عباسیان بود چون دوست نداشتند ببینند امام(ع) از مقام والا و احترام خاصی نزد مأمون برخوردار است. [۵]. در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که با این همه تضادی که بین امام جواد(ع) و مأمون عباسی وجود داشت، چگونه آن حضرت با ازدواج با دختر مأمون موافقت کرد؟ برای اینکه پاسخ درست و منطقی برای این سؤال داشته باشیم لازم است که به شرایطی که امام جواد(ع) در آن شرایط به امامت رسیده است و نیز حیلہ گری و دسیسه سازی و سیاست بازی مأمون عباسی با دقت بیشتری نظر بیندازیم: همانطور که گفتم مأمون می خواست با نزدیک کردن ظاهری خود به امام جواد(ع) و تزویج دختر خود «ام فضل» به او و همچنین نگه داری آن حضرت در دربار خویش به پیروان امام و علویان عملاً بقبولاند که شما دنبال کسی هستید که با ما یکی است! هم با ما نسبت سببی پیدا کرده و داماد ما است و هم ولیعهد و نزدیک و مشاور همراه ماست. ما از هم جدایی نداریم و به همین جهت اگر کسی بخواهد علیه مأمون کاری کند، کار او علیه امام جواد(ع) هم به نوعی تلقی می شود!! و با این حیلہ ها، برای خود و حکومتش وجاهت کسب کند. این سیاست بازی و حقہ ی بزرگی که مأمون دست به آن زد از او بعید نبود زیرا بعضی از مورخان در بین خلفای عباسی او را از دانشمندترین و سیاست بازترین و قاطع ترین می دانند و سرکوب امین و قیام های متعدد در دوران او را از دلایل این سیاست و قاطعیت می دانند. پس در وهله اول مصلحت امت اسلام ایجاب نمی کرد که امام جواد «ع» که در آن دوران نوجوان ۸ ساله ای بود با او مقابله کند. در حقیقت امام جواد(ع) بین پذیرش شهادت در این سن و قبول دامادی مأمون باید یکی را انتخاب می کرد که امام با درک درست و الهی خویش تن به ازدواج با دختر مأمون داد و حداقل توانست هم ۲۰ سال به مبارزه درست و حساب شده با خلفای عباسی بپردازد و به تقویت بنیه علمی و فکری و اقتصادی شیعیان بپردازد و هم با ازدواج با «سمانه مغریه» دارای همسری باوفا و مؤمن باشد و هم از این فرصت و ازدواج امام هادی(ع) حاصل شود که ادامه دهنده امامت باشد و در کنار این مواهب با دوری از «ام فضل» از او فرزندی نداشته باشد و در حد اسم شوهر او باشد. در حقیقت هیچگاه «ام فضل» به عنوان همسر همراز امام توسط آن حضرت پذیرفته نشده است. گلابیه های متعدد «ام فضل» نزد مأمون از بی توجهی امام جواد(ع) به او، گواه این سخن است. حرکت امام جواد(ع) پس از ازدواج به سوی مدینه و دوری از سامرا که مرکز سیاست و جبهه و جنگ و حیلہ و نفاق عباسیان بود نیز در همین چارچوب و براساس همین سیاست امام جواد(ع) قابل تبیین است. از سوی دیگر برای اینکه به نیت واقعی مأمون در عرصه ی نزدیک کردن امام جواد(ع) به خود آگاه شویم می توانیم به برخورد او با امام رضا(ع) و شهادت آن حضرت توجه کنیم و از سوی دیگر نیز می دانیم که مأمون برای حفظ قدرت خلافت برادر خویش را به قتل رساند! کسی که حاضر باشد برای ماندن بر منصب قدرت دست به قتل برادر خویش بزند آنرا به دیگری واگذار نخواهد کرد. شاهد این سخن آن است که مأمون پس از آنکه بر امین غلبه یافت و پایتخت خود را از خراسان به بغداد منتقل کرد جامه ی سبز خویش را که به نشانه ی علاقه به علویان به تن می کرد کنار گذاشت و دوباره همان جامه ی سیاهی را که خلفای عباسی می پوشیدند پوشید. به عبارت بهتر او در هر مقطع زمانی با سیاست بازی و حقہ بازی و دغل کاری سعی در کنترل احساسات عمومی مردم و تحت سیطره قرار دادن دشمنانش به انحاء مختلف داشت. در این عرصه می توان حرکت های متعدد و زیگزاگی و متضاد مأمون را شناخت و جوابی برای کارهای کاملاً متضاد و برخوردهای واقعاً دوگانه ی او با اطرافیان نزدیک مثل امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و حتی فضل بن سهل پیدا کرد. به این ترتیب، امام جواد(ع) با فراست و هوشیاری خود را از دام حیلہ و تزویر مأمون عباسی رهاند و به مدینه النبی و بین بستگان و دوستان اهل بیت

عصمت و طهارت بازگشت. امام جواد(ع) در سال ۲۰۳ توسط مأمون عباسی به بغداد فراخوانده شده است و پس از ازدواج با «ام فضل» که با دستور و اصرار (و شاید اجبار) مأمون همراه بوده است به مدینه بازگشته است. مدت حضور امام نهم(ع) در این سفر در بغداد به درستی مشخص نیست. مسعودی در این باره نوشته است: هنگامی که امام رضا(ع) از دنیا رفت، مأمون در پی فرزند آن حضرت، امام جواد(ع)، فرستاد و وی را به بغداد برد و او را نزدیک خانه خود در آن شهر سکنی داد و دخترش ام الفضل را به ازدواج وی درآورد. [۶]. سبط بن جوزی هم در این باره آورده است: چون امام رضا(ع) وفات یافت، فرزندش محمد ملقب به جواد نزد مأمون آمد. [۷]. به نظر نمی رسد که مدت اقامت امام جواد(ع) در بغداد با توصیفی که از دلایل عدم همکاری امام(ع) با مأمون عباسی گفتیم، طولانی و بیش از یکسال بوده باشد. بنابراین امام جواد(ع) از سال ۲۰۴ تا سال ۲۲۰ که دوباره توسط معتصم عباسی به اجبار به بغداد فراخوانده شد، حدود ۱۶ سال و چند ماه در مدینه زندگی کرده است. شیخ مفید زمان ورود امام محمد تقی(ع) برای بار دوم به بغداد تا زمان شهادت امام را یازده ماه ذکر کرده است. [۸].

پاورقی

[۱] تحلیل زندگانی پیشوایان ما - استاد عادل ادیب - صفحه ۲۵۰.

[۲] سیره معصومان - سیدمحسن امین - صفحه ۲۲۶.

[۳] منتهی الآمال.

[۴] بحار الانوار - علامه مجلسی - ج ۵۰ صفحه ۱۰.

[۵] دونالدسون - دائرة المعارف عتبات مقدسه - جلد اول - صفحه ۲۳۲.

[۶] اثبات الوصیه - مسعودی.

[۷] تذکره الخواص - ابن جوزی.

[۸] ارشاد - شیخ مفید - صفحه ۲۹۹.